

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ

سوره مبارکه زلزله

توجه به قیامت با محوریت عل خیر

گزاره‌های تفسیر المیزان درباره سوره مبارکه زلزله^۱

در این سوره سخن از قیامت و زنده شدن مردم برای حساب،

و اشاره به بعضی از علامت‌هایش شده،

که یکی زلزله زمین،

و یکی دیگر سخن گفتن آن از حوادثی است که در آن رخ داده.

و این سوره هم می‌تواند مکی باشد و هم مدنی.

إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا:

- کلمه «زلزال» مانند کلمه «زلزلة» مصدر و به معنای نوسان و تکان خوردن پی در پی است،
 - و اینکه این مصدر را به ضمیر زمین اضافه کرد، و فرمود «زمین زلزله‌اش را سر می‌دهد» به ما می‌فهماند که زمین زلزله‌ای خاص به خود دارد،
 - و این [اضافه شدن مصدر به ضمیر زمین] می‌رساند که زلزله مذکور امری عظیم و مهم است، زلزله‌ای است که در شدت و هراسناکی به نهایت رسیده است.
- و أَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا:

- کلمه اثقال جمع کلمه «ثقل» (به فتحه ثاء و فتحه قاف) است، که به معنای متاع و کالا و یا خصوص متاع مسافری است. ممکن هم هست جمع کلمه «ثقل» (به کسره ثاء و سکون قاف) باشد که به معنای حمل است، به هر حال چه آن باشد و چه این، مراد از اثقال زمین که در قیامت زمین آنها را بیرون می‌ریزد - به طوری که دیگران هم گفته‌اند - مردگان و یا گنجها و معادنی است که در شکم خود داشته. و ممکن هم هست منظور

^۱ ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص ۵۸۱-۵۸۶

همه اینها باشد، که البته برای هر سه قول قائلینی هست، و اولین قول به نظر نزدیکترین قول است، و از آن گذشته قول سوم است که اشاره دارد بر اینکه خارج شدن برای حساب است،

- و جمله «يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ» اشاره دارد به اینکه بعد از بیرون شدن، به سوی جزا روانه می‌شوند.
و قَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا:

- یعنی انسانها بعد از بیرون شدن از خاک در حال دهشت‌زدگی و تعجب از آن زلزله شدید و هول انگیز می‌گویند:
«ما للارض» زمین را چه می‌شود که این طور متزلزل است؟!^۲

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا:

- آنگاه زمین به اعمالی که بنی آدم کردند شهادت می‌دهد،
- [زمین شهادت می‌دهد] همان طور که اعضای بدن خود انسان‌ها و نویسندگان اعمالش، یعنی ملائکه رقیب و عتید، و نیز شاهدان اعمال که از جنس بشر و یا غیر بشرند همه بر اعمال بنی آدم شهادت می‌دهند.
- و در جمله «بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا» حرف لام به معنای «الی؛ به سوی» است، چون مصدر «ایحاء» که فعل «أوحى» مشتق از آن است با حرف «الی» متعدی می‌شود،
- و معنای جمله این است که:
- زمین به سبب اینکه پروردگار تو به آن وحی کرده و فرمان داده تا سخن بگوید از اخبار حوادثی که در آن رخ داده سخن می‌گوید،
- پس معلوم می‌شود

○ زمین هم برای خود شعوری دارد،

○ و هر عملی که در آن واقع می‌شود را می‌فهمد،

○ و خیر و شرش را تشخیص می‌دهد،

○ و آن را برای روز ادای شهادت تحمل می‌کند،

○ تا روزی که به او اذن داده شود؛ یعنی روز قیامت شهادت خود را ادا کرده، اخبار حوادث واقعه در آن را بدهد.

^۲ در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم: بعضی از مفسرین گفته‌اند: منظور از «انسان» تنها کفار هستند، نه آنهایی که در دنیا به مسئله معاد و رستخیز ایمان داشتند. بعضی دیگر سخنانی دیگر گفته‌اند که به زودی ان شاء الله می‌آید.

- و در تفسیر آیه «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ»، و نیز در تفسیر آیه «قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ» گذشت، که از کلام خدای سبحان به دست می‌آید که حیات و شعور در تمامی موجودات جاری است، هر چند که ما از نحوه حیات آنها بی‌خبر باشیم.^۳
- یَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَالَهُمْ:
- کلمه «صدر» که فعل «یصدر» از آن مشتق شده به معنای برگشتن شتر از لب آب بعد از رفتنش بدانجاست.
- و کلمه «أشتات» مانند کلمه «شتی» جمع شتیت است، که به معنای متفرق است.
- و آیه شریفه جواب دوم است برای کلمه «اذا»، بعد از جواب اول، یعنی آیه «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا».
- و مراد از «صادر شدن مردم در قیامت با حالت تفرقه»، برگشتن آنان از موقف حساب به سوی منزل‌هایشان که یا بهشت است و یا آتش است،
- در آن روز اهل سعادت و رستگاری از اهل شقاوت و هلاکت متمایز می‌شوند،
- [متمایز می‌شوند] تا اعمال خود را ببینند،
 - جزای اعمالشان را نشانشان دهند،
 - آن هم نه از دور، بلکه داخل در آن جزایشان کنند،
 - و یا به اینکه خود اعمالشان را بنا بر تجسم اعمال به ایشان نشان دهند.^۴
- فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ:
- کلمه «مثقال» به معنای هر وسیله‌ای است که با آن وزنها را می‌سنجند،
- و کلمه «ذره» به معنای آن دانه‌های ریز غبار است، که در شعاع آفتاب دیده می‌شود، البته این کلمه به معنای مورچه‌های ریز نیز می‌آید.

^۳ در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم: در بین مفسرین اختلاف شدیدی به راه افتاده در اینکه معنای خبر دادن زمین به وسیله وحی از حوادثی که در آن واقع شده چیست؟ آیا خدای تعالی زمین مرده را زنده می‌کند، و به آن شعور می‌دهد تا از حوادث خبر دهد؟ و یا اینکه صوتی در روی زمین خلق می‌کند تا آن صوت خبر دهد و یا آنکه زمین به زبان حال دلالت می‌کند بر اینکه بر پشت آن چه حوادثی رخ داده؟

لیکن بعد از آنکه بیان ما را شنیدی هیچ جایی برای این اختلاف نیست، علاوه بر این با هیچ يك از این وجوه و هیچ يك از اقسام شهادت که در این وجوه آمده حجت تمام نمی‌شود.

^۴ در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم: و بعضی از مفسرین گفته‌اند: مراد از صدور مردم، بیرون شدنشان از قبور به سوی موقف حساب است، و منظور از متفرق بودنشان، متمایز بودن آنان از نظر سیما است، بعضی با روی سفید، و برخی با روی سیاه بیرون می‌آیند، بعضی با حالت امنیت، برخی با حالت فزع، و همچنین تمایزهای دیگر که از جزای اعمالشان و نتیجه حسابشان خبر می‌دهد، و تعبیر از آگاهی از جزا با واژه رؤیت، و تعبیر از اعلام به نتیجه حساب با واژه «ارائه» نظیر تعبیری است که در آیه «يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُحْضَرًّا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ»، ولی وجه اول هم به ذهن نزدیک‌تر و هم روشن‌تر است.

- آیه مورد بحث به دلیل اینکه حرف «فاء» بر سر دارد تفریع و نتیجه‌گیری از آیه قبلی است، که سخن از ارائه اعمال بندگان داشت، و همان بیان را تاکید نموده، می‌فهماند که از کلیت ارائه اعمال هیچ عملی نه خیر و نه شر نه كوچك و نه بزرگ حتی به سنگینی ذره استثنا نمی‌شود،
- و نیز حال هر يك از صاحبان عمل خیر و عمل شر را در يك جمله مستقل بیان نموده،
- جمله را به عنوان يك ضابطه و قاعده کلی (که مورد هیچ خصوصیتی ندارد) ذکر می‌فرماید.
- در اینجا این سؤال به ذهن می‌رسد که در آیات شریفه قرآن، آیاتی هست که با این ضابطه کلی سازگار نیست،
 - از آن جمله آیاتی که دلالت دارد بر حبط و بی‌نتیجه شدن اعمال خیر به خاطر پاره‌ای عوامل،
 - و آیاتی که دلالت دارد بر انتقال اعمال خیر و شر اشخاص به دیگران، مانند انتقال حسنات قاتل به مقتول، و گناهان مقتول به قاتل،
 - و آیاتی که دلالت دارد بر اینکه در بعضی توبه‌کاران، گناه مبدل به ثواب می‌شود،^۵
- جواب این سؤال این است که آیات مذکور حاکم بر این دو آیه است،
- و بین دلیل حاکم و محکوم منافاتی نیست،
- مثلاً آیاتی که دلالت دارد بر حبط اعمال، شخص صاحب عمل خیر را از مصادیق کسانی می‌کند که عمل خیر ندارند،
- و چنین کسی عمل خیر ندارد تا به حکم آیه مورد بحث، آن را ببیند،
- و همچنین قاتلی که نگذاشت مقتول زنده بماند و عمل خیر انجام دهد، اعمال خیرش را به مقتول می‌دهند، و خودش عمل خیری ندارد تا آن را ببیند،
- و توبه‌کاری که گناهش مبدل به حسنه می‌شود، برای این است که گناه موافق میل او نبوده، عواملی خارجی باعث گناهکاری او شدند، و آن عوامل کار خیر، موافق طبعشان نیست، ولی چون می‌خواستند در بین مردم نیکوکار و موحد باشند، و بلکه رئیس و رهبر آنان باشند، لذا با زبان شکار حرف زدند، پس خوبی‌هایشان از خودشان نیست، لذا در قیامت بدی‌های توبه‌کاران را به آن عوامل می‌دهند، و خوبی‌های آن عوامل را به توبه‌کاران، در نتیجه توبه‌کاران گناهی ندارند تا به حکم آیه مورد بحث در قیامت آن را ببینند، و نیز عوامل شر، کار خیری ندارند، تا به حکم آیه مورد بحث آن را ببینند؛ دقت فرمایید.^۶

^۵ در ادامه این بخش در تفسیر می‌خوانیم:

و آیاتی دیگر که در بحث از اعمال در جلد دوم این کتاب و نیز در تفسیر آیه «لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ» گذشت.

^۶ بحث روایی سوره در تفسیر المیزان:

در الدر المنثور است که ابن مردویه و بیهقی -در کتاب شعب الایمان- از انس بن مالک روایت کرده‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمین در روز قیامت به تمامی اعمالی که در پشتش انجام شده خبر می‌دهد، آنگاه این آیه را تلاوت کرد: «إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا» تا رسید به آیه «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا» و آنگاه فرمود هیچ می‌دانید اخبارش چیست؟ جبرئیل نزد من آمد و گفت: خبر زمین که زمین روز قیامت بدان گواهی می‌دهد، همه اعمالی است که بر پشتش انجام شده.

مؤلف: نظیر این روایت را از أبوه‌ریره نیز نقل کرده.

و نیز در همان کتاب است که حسین بن سفیان در کتاب مسندش و ابونعیم در کتاب حلیه‌اش از شداد بن اوس روایت کرده‌اند که گفت: من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم می‌فرمود: ایها الناس! دنیا متاعی است حاضر که هم نیکان از آن می‌خورند و هم فاجران، و به درستی آخرت وعده‌ای است صادق، که سلطانی قادر در آن حکومت می‌کند، حق را محقق و باطل را باطل می‌سازد. ایها الناس! سعی کنید از طالبان آخرت باشید، و از طالبان دنیا نباشید، فرزند آخرت باشید، نه فرزند دنیا، چون هر مادری فرزندش به دنبالش می‌رود. (حاصل منظور آن جناب این است که خواهان آخرت باشید نه دنیا، برای اینکه علاقه به دنیا قهرأ شما را به سوی مادیت و آلودگی‌های آن می‌کشد)، آنگاه فرمود: هر عملی که می‌کنید در حالی انجام دهید که از خدا خائف و بر حذر باشید، و بدانید که روزی شما را بر اعمالتان عرضه می‌دارند، و شما خواه و ناخواه خدا را ملاقات خواهید کرد، پس هر کس هم وزن ذره‌ای عمل خیر کرده باشد، آن را خواهد دید، و هر کس هم‌وزن ذره‌ای عمل زشت کرده باشد آن را خواهد دید.

و در تفسیر قمی در ذیل آیه «وَ أُخْرِجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا» آمده که منظور از اثقال زمین، انسانهایند. و در ذیل جمله «وَ قَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا» آمده که این انسان، امیرالمؤمنین علیه السلام است. و در ذیل آیه «يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا ... أَشْتَاتًا» آمده که مردم از جهت ایمان و کفر و نفاق متفرق و اشتات می‌آیند، بعضی مؤمنند و برخی کافر و جمعی منافق. و در ذیل جمله «لِيُرَوَّا أَعْمَالَهُمْ» آمده که هر کس بالای سر اعمال خود می‌ایستد، و اعمال خود را اینطور فاش و هویدا می‌بیند.

و نیز در آن کتاب در روایت ابی الجارود از امام باقر علیه السلام آمده که در ذیل آیه «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ»، فرمود: اگر از اهل آتش باشد، و در دنیا مثقال ذره‌ای عمل خیر کرده باشد، اگر برای غیر انجام داده باشد، همان عمل خیرش هم مایه حسرتش می‌شود، و در ذیل جمله «وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ»، فرمود: اگر از اهل بهشت باشد در روز قیامت آن شر را می‌بیند و سپس خدای تعالی او را می‌آمرزد.